



فصلنامه تخصصی کتابخانه بزرگ

حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله

سال بیست و هفتم | شماره ۱۰۵-۱۰۶ | پاییز و زمستان ۱۴۰۰

منشآت بی بی حبیبه

طیبه حاج باقریان^۱

چکیده

منشآت، بخشی از میراث غنی و پرارزش مکتوب در بین نسخه‌های خطی هستند که در بردارنده قسمت مهمی از زندگی فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی گذشتگان است. دوره قاجار یکی از دوره‌های باارزش از نظر نامه‌نگاری به شمار می‌رود و اوج این فن و کتابت آن را نشان می‌دهد. نوشتاری که از نظر می‌گذرد گزارشی از محتوای منشآت است که ظاهراً مکاتبات عاشقانه زنان و مردان دربار قاجاری است و توسط یکی از ندیمه‌های دربار به نام حبیبه بنت آزادخان جمع‌آوری و استنساخ شده است. تسلط درباریان قاجاری بر فنون ادبی، احراز برخی مشاغل دیوانی، ارتقاء فرهنگ بین دربار به ویژه زنان قاجاری، نقش زنان در نامه‌نگاری‌های عصر قاجار، داد و ستد نامه‌های عاشقانه در دربار قاجاری، از جمله موضوعاتی است که می‌توان از این قبیل منشآت نویسی به غور و بررسی آنها پرداخت.

کلیدواژه‌ها

بی بی حبیبه، نامه نگاری - قرن سیزدهم، ادبیات دوره قاجار، نسخه های خطی، حبیبه بنت آزادخان.

۱. کارشناس ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی، پژوهشگر متون کهن، hajbaqeriyani@yahoo.com

مقدمه

مجموعه منشآت با ماهیت ادبی و تاریخی که دارند حاوی اطلاعات ارزنده‌ای بوده و در چندین حوزه از علم و دانش به‌ویژه در قلمرو تاریخ و ادبیات از جمله منابع موثق و کارآمد به شمار می‌روند. این نوع آثار به طور ویژه در حوزه ادبیات فارسی به ضلعی از تاریخ‌نگاری ادبیات فارسی در اعصار قبل‌تر کمک می‌کند. به عبارتی، نثر نامه‌ها از جمله موارد مورد توجه و اهمیت بوده و معمولاً ضمن آنکه از حلاوت و فخامت بسیار برخوردار است، نثری مکلف و مصنوع نیز دارند. از ویژگی‌های بارز این شیوه نثر آنکه، در آمیختگی نظم و نثر، بهره‌گیری فراوان از درونمایه‌های شعری (همچون تشبیب، استعاره، کنایه، و...) اطاله کلام، استفاده از آرایه‌های ادبی و بیانی، استفاده از آیات و احادیث و ضرب‌المثل‌ها، گرایش به خیال‌پردازی و گزارشگری (تا آنجا که معمولاً «وصف» بر «خبر» چیرگی می‌کند)، نقل مترادفات ملال‌آور، و... است. البته این ویژگی‌ها یکجا جمع نشده و در متن هر نامه گوشه‌ای یا نمونه‌ای از هر یک قابل مشاهده است. گاهی ساختار و نثر نوشته‌های منشیا به گونه‌ای است که باید خواننده با متانت و کندی بسیار، سطر به سطر نوشته و گاه کلمه به کلمه را طی کند، یا نیاز به مرور چندگانه دارد.

آثار به جامانده از دوره قاجار که یکی از دوره‌های با ارزش از نظر ترسّل و نامه‌نگاری است، اوج این فن و کتابت را نشان می‌دهد. فرمان‌ها، عقدنامه‌ها و مکاتیب پادشاهان قاجاری با منشیا خود و به تبع آن حاکمان منطقه‌ای در ولایات مختلف شکوه قلم و اندیشه آنان را نمایان می‌سازد. با بررسی اسناد و نامه‌های باقیمانده در کتابخانه‌ها و موزه‌ها، با حجم انبوهی از نامه‌های دوره قاجار مواجه می‌شویم. برخی از نامه‌ها، نامه‌هایی است که بین شاهان و وزرا مبادله می‌شده است؛ برخی دیگر نامه‌هایی است که بین شاهان و روحانیت مبادله شده است؛ برخی از نامه‌ها برای مقاصد بیرونی از ایران فرستاده شده یا از بیرون ایران دریافت شده‌اند؛ و بالأخره برخی از نامه‌ها بین افراد عادی و غالباً تحصیل کرده، مبادله شده و حاوی مضامین دوستانه یا عاشقانه و غیره است.^۱ گرچه پژوهش‌های گوناگونی پیرامون منشآت و

۱. «ویژگی‌های زبانی، نگارشی و دستوری نامه‌های عهد قاجار با محوریت بررسی قائم مقام و امیر کبیر»، ص ۱۵۱-

منشآت نویسی انجام پذیرفته و این نوع نامه‌نگاری‌ها از لحاظ سبک، نگارشی، دستوری و سایر ویژگی‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌اند، اما تاکنون نقش زنان در نامه‌نگاری‌های عصر قاجار و به ویژه نامه‌های عاشقانه به طور خاص مورد توجه نبوده است. همچنین پیرامون بانوان کاتب و به ویژه کاتبان درباری پژوهشی خاص انجام نشده است. نوشتار پیش‌رو، به معرفی منشآت می‌پردازد که حاوی نامه‌های عاشقانه‌ای است که در ظاهراً بین زنان و مردان درباری مبادله شده و توسط بانویی خوشنویس به نام بی‌بی حبیبه، که ندیمه و کاتب زنان درباری بوده، جمع‌آوری و استنساخ شده است.

بی‌بی حبیبه

بی‌بی حبیبه، دختر آزادخان چاپارچی از بانوان کاتب در قرن سیزدهم هجری است که پدرش چاپارچی^۱ و نایب چاپارخانه یزد و کرمان بوده است.^۲ اطلاعات چندانی پیرامون بی‌بی حبیبه و پدرش حاصل نشد، جز آنکه مجموعه‌ای شامل سه رساله در موضوع عرفان و تصوف به خط بی‌بی حبیبه کتابت شده و دو نسخه از آن موجود است. پس از سه رساله این مجموعه، صفحاتی در بیان خلقت انسان و حضرت رسول آمده و پس صفحات پایانی این مجموعه، منشآت است به خط بی‌بی حبیبه که نام و نشان خاصی ندارد و از آنجا که همگی به خط این بانوی کاتب قاجاری است منشآت به نام «منشآت بی‌بی حبیبه» نامگذاری کرده‌ایم.

پس از مشاهده و بررسی این مجموعه و منشآت پایانی آن، اولین و اساسی‌ترین سؤال نگارنده آن بود که این نامه‌های بی‌نام و نشان آیا تألیف بی‌بی حبیبه بوده یا توسط وی استنساخ شده است. احتمالاتی داده می‌شد که نامه‌ها درس و مشقی از خود بی‌بی حبیبه باشد و از تألیفات وی به شمار رود و از جمله دلایل آنکه، به خط کاتب مجموعه بوده و نام هیچ فرد خاصی در آنها ذکر نشده و ممکن است کاتب، نویسنده اثر باشد؛ دیگر دلیل آنکه، صبغه خانوادگی کاتب و شغل پدر ممکن است در زمینه علاقمندی او تأثیرگذار بوده و وی را با فن نگارش و نامه‌نگاری آشنا نموده و این آگاهی او را به نوشتن این صفحات واداشته است؛

۱. چاپارها، نامه و دستورهای دولتی را از مرکز به ایالات و برعکس انتقال می‌دادند.

۲. نشریه نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، دفتر ۲، ص ۶۳.





دلیل سوم آنکه غالب نامه‌ها در بیان ابراز مهر و محبت به معشوق یا شکوه از دوری و دل‌تنگی یار است و بیشتر به تمرین نامه‌نگاری یا مشق نامه شبیه است تا نامه‌های جدی و واقعی در موضوعات گوناگون، و کاتب در انتهای استنساخ یک مجموعه عرفانی صفحاتی را به این نوع مشق اختصاص داده است.

اما دلیل نسبتاً محکمتری که ما را در انتساب این نامه‌ها به بی‌بی حبیبه دچار شک و تردید می‌نمود و نمی‌توان با قطعیت گفت این مجموعه تألیف بانو حبیبه بوده آنکه، از وی تألیف و اثر دیگری تا کنون شناسایی و معرفی نشده است. این در حالی است که متن نامه‌ها از لحاظ سبک ادبی و قاعده‌مندی نثر، بسیار قوی است و نویسندگی با این همه تسلط بر ادبیات و قلمی قدرتمند قاعدتاً باید پرکار یا حداقل دارای آثار متعددی باشد، که در مورد این بانو صدق نمی‌کند، از سویی دیگر با غور و تأمل بیشتر در متن نامه‌ها می‌توان گفت بسیاری از این نامه‌ها ظاهراً از قلم و بیان گوینده‌ای مرد به نگارش درآمده است؛ علاوه بر آنها، از آنجا که رساله دوم این مجموعه استنساخ از تألیف یک بانوی درباری است و رساله سوم آن به درخواست یکی از بانوان حرمسرای ناصرالدین شاه در کاخ عشرت‌آباد کتابت شده، و کاتب دارای خط خوش و مرغوب شکسته نستعلیق است، ظن بر اینکه بی‌بی حبیبه ندیمه و کاتب زنان درباری بوده است را بر ذهن متبادر می‌سازد و اینکه این نامه‌ها مکاتبات عاشقانه و دوستانه زنان یا مردان درباری است که توسط وی استنساخ شده است.

از آنجا که، منشآت گونه‌ای از مجموعه‌های ادبی و سودمند در دسته‌بندی نسخه‌های خطی از لحاظ محتوا و مندرجات به شمار می‌روند؛ و از سوی دیگر، نقش زنان در کتابت و تدوین و تألیف آثار علمی و مکتوب موضوعی قابل تأمل و پژوهش است؛ و از سوم سوی آنکه، قصه معاشقه و دلدادگی و دل‌باختگی بین درباریان قاجار و حرمسراها بسیار گسترده است و این نوع منشآت نمونه‌ای از آنهاست؛ بنابراین معرفی این اثر در قالب مقاله‌ای هرچند مختصر و کوتاه مفید به نظر آمد.

نسخه‌شناسی مجموعه‌ها

همانطور که اشاره شد، مجموعه‌ای خطی شامل سه رساله در موضوع عرفان و تصوف توسط بی‌بی حبیبیه استنساخ شده و دو نسخه از آن موجود است. مجموعه اول در کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی به شماره ۷۵۲۱ نگهداری می‌شود و در پایان رساله سوم نام کاتب و تاریخ کتابت آمده است. اما نسخه‌ای دیگر از این مجموعه در کتابخانه مجلس به شماره ۸۰۰۵ نگهداری می‌شود که تفاوت‌های اندکی با مجموعه مرعشی دارد و نام کاتب در آن ذکر نشده است، اما از آنجا که از نظر خط بسیار مشابه و تقریباً در یک قطع و اندازه و هر دو روی یک جنس کاغذ کتابت شده و در یک مقطع زمانی تولید شده‌اند می‌توان گفت به خط یک نفر است. مبنای معرفی این مجموعه، نسخه موجود در کتابخانه آیت‌الله مرعشی است و به برخی تفاوت‌ها در انتهای این بخش اشاره خواهد شد. بخشی از این مجموعه به دستور سرکار نوابه جمال خانم، بانوی حرمسرای ناصرالدین شاه و در کاخ عشرت آباد تهران کتابت شده است. این رساله‌ها به خط نستعلیق و در سال ۱۳۰۲ هجری قمری کتابت شده و مشخصات هر رساله به شرح زیر است:

۱. رساله‌ای در بیان «عشق و محبت» و حالات و مراتب طایفه‌ای که در این راه قدم نهاده‌اند. این رساله دارای هجده شرط از شروط عشق به نثری ادبی و آراسته به ابیات فارسی با شواهد منظوم و تمثیلات و مجهول المؤلف است. علاوه بر دو نسخه موجود از این رساله در مجموعه‌های مذکور، نسخه‌های دیگری از آن در کتابخانه مجلس (ش. ۲۶۶۵/۱۷)، کتابخانه مدرسه سپهسالار (ش. ۵۷۷) نیز وجود دارد که در هیچکدام ذکر نامی از مؤلف نشده است (گ ۱-۱۸).

۲. رساله مختصری با عنوان «بساط و نشاط» از بانو حُسن جهان مشهور به والیه قاجار. وی در این رساله چگونگی عشق و عاشقی را به نظم و نثر آورده است. بایبی است که عبادات را برای اهل عشق تفسیر کرده و انجام دادن آنها را در راه عاشقان به روش اهل تصوف و عرفان بیان می‌کند. نویسنده مطالب کتاب را به گونه‌ای نوشته است که به قول خود هر انسانی چه کامل و عاقل و چه جاهل و مجنون بتوانند از آن سود ببرند





«معشوقان در بازار، عاشقان در عجز نیاز، عابدان در نماز، عارفان در راز»^۱. انجامه بانو حبیبه در پایان این رساله چنین است: «تمت الكتاب بعون الملك الوهاب فی نهم شهر جمادی الثانی سنه ۱۳۰۲ هجری. نوشتم خط بماند ز من یادگار/ بماند خط نماند ز من هیچ آثار» (گ ۱۸-۲۷).

۳. رساله سوم «لوايح» عبدالرحمن بن احمد جامی است که در نسخه مرعشی، کاتب این رساله را به دستور و درخواست بانویی از حرمسرای ناصرالدین شاه در کاخ عشرت آباد تهران کتابت نموده است و در انجامه آن چنین می‌نویسد: «تمت و ختمت و ختامها مسک، حسب الفرمایش سرکار نوابه علیّه عالیّه جمال خانم دامت شوکتها و عزتها بانوی حرم اعلی حضرت قدر قدرت، قضا شوکت، سلیمان حشمت، صاحبقران، ناصرالدین پادشاه که خداوندش حافظ ناصر و حضرتش قبله بادی. حرره عبدالعقل ... دعاگو آستان مبارکه حبیبه صبیبه مرحوم آزادخان چاپارچی باشی در عشرت آباد باین صفحه کتاب پرداخته. فی ۱۶ ذی الحجه سنه ۱۳۰۲. خوش گلشنی است که حیف گلچین روزگار/ فرصت نمی‌دهد که تماشا کند کسی/ من ... خود نمودم اما چه کنم/ در پیش زمانه دروغ و دوشاب یکیست» (گ ۲۷-۴۸).

۴. صفحاتی در بیان صفت خلقت حبیب خدا حضرت رسول (ص) و صفحاتی در وصف خلقت انسان به خط همان کاتب آمده که شاید مقدمه‌ای برای ترسل‌نگاری کاتب در ادامه این مجموعه باشد. حجم قابل توجهی از اوراق این مجموعه شامل منشآت یا ترسل است که با انشائی ادیبانه و نثری مسجع و با عنوان صورت نوشتجات کتابت شده و در ادامه توضیحاتی پیرامون این بخش خواهد آمد (گ ۴۸-۸۰).

۱. حُسن جهان زیباترین دختر فتحعلیشاه و یکی از ده دختر وی از سنبل باجی خانم است. دیوان این بانو تاکنون دو بار به چاپ رسیده است. این رساله در فهرست مرعشی مجهول المؤلف معرفی شده است و بعدها به صورت دستنویس در فهرست موجود در کتابخانه مذکور نام مؤلف اضافه شده است. در فهرست مجلس به نام حسن جهان معرفی شده، و همچنین نسخه‌های متعددی از آن در کتابخانه‌های مختلف موجود است که با آغازی یکسان به حُسن جهان منسوب داشته‌اند.

۵. در بخش پایانی این مجموعه منتخبی از اشعار و رباعیات شاعرانی چون جامی، مولانا، قآنی، و ... با مضمون عشق و عاشقی نیز آمده است (گ ۹۴-۱۲۵).

در مجموعه مجلس، ابتدای رساله اول آن را «رساله اول نشاط القلوب» خوانده، که گویا کاتب طبق عهد ذهنی که داشته کل مجموعه را «نشاط القلوب» نامیده، و نام رساله والیه را هم نشاط القلوب ذکر می‌کند. اما در پایان رساله نام اصلی آن یعنی «بساط و نشاط» را می‌برد. از آنجا که در رساله مرعشی، در آن موضع از مقدمه، نام رساله عیناً بساط و نشاط ضبط شده، نام دومی برای آن در نظر گرفته نشد و به نام بساط و نشاط معرفی شده است.

منشآت بی‌بی حبیبه

منشآت بی‌بی حبیبه، در واقع بخش چهارم از مجموعه خطی وی است که با عنوان «صورت نوشتجات» آغاز می‌شود و شامل حدود سی و چهار نامه بوده که از نوع اخوانیات و نامه‌های دوستانه و عاشقانه است. آنگونه که از محتوای نامه‌ها برمی‌آید، ظاهراً مکاتبات عاشقانه زنان و مردان در دربار قاجار است که توسط بی‌بی حبیبه که ندیمه زنان درباری و همچنین خوشنویس بوده، استنساخ شده است. نثر این نامه‌ها بسیار ادیبانه و آرایه‌های لفظی و سجع یا تناسب‌های آوایی میان واژه‌ها بسیار بکار رفته است که نشان از تسلط نگارنده آن به نثر فارسی بوده است. پژوهشگران و ادیبان از این نوع نثر به «نثر منظوم» یا «نثر مسجع» یا «نثر موزون» یاد کرده‌اند. مراد از نثر منظوم نوعی نثر آهنگ‌دار است که در آن کلام گوینده به بندهای کوتاه چند هجایی متساوی و قافیه‌دار (گاه بی‌قافیه) منقسم می‌گردد. وزن‌ها در این عبارات گاه متحد در چند بند و گاه متغیر است.^۱ در این نوع نثر، نگارنده در اغلب موارد نثر موزون خود را با آوردن قوافی که در نثر، سجع نیز نامیده می‌شود، کامل‌تر و به شعر نزدیک‌تر می‌کند، اما بسیار هم اتفاق افتاده است که تنها به وزن بسنده کرده و از ایراد قوافی یا اسجاع چشم پوشیده است که در نامه‌های مورد پژوهش این رویکرد قابل مشاهده است و در بسیاری نامه‌ها، متن به شعر نزدیک‌تر است. پس از صفحاتی در بیان صفت خلقت حبیب خدا حضرت رسول (ص)

۱. نثر فارسی از آغاز تا عهد نظام الملک طوسی، ص ۱۲۸.





و در وصف خلقت انسان، این بخش با «حجت نامچه» که اولین نامه این مجموعه است، آغاز می‌شود. حجت نامچه در واقع نامه عاشقانه و هزلی است خطاب به بانویی از نظر افتاده شاهنشاه به نام «ماه رخساره خانم»، مبنی بر اینکه مبلغ یکصد تومان برای مدت یکماه به او قرض داده می‌شود و چنانچه پس از مدت مقرر نتواند آن را عودت نماید خود را به وی تسلیم نماید. اما متن دیگر نامه‌ها حدیث دلدادگی‌ها و دلباختگی‌های عاشقانه بوده که به جهت دوستی عزیزالوجود و معشوقی از نظر دورافتاده نوشته شده است. به لحاظ نثر فارسی متن این نامه‌ها بسیار پرتصنع و اغراق آمیز و لبریز از غموض است.

محتوا، شکل‌شناسی و ساختار نامه‌ها

نامه‌نگاری‌های عصر قاجار از منظر سبک‌شناسی و محتوا و ساختار دارای مشابهت‌هایی بوده و در عناصری چون افتتاحیه، اختتامیه، استفاده از آیات و روایات و اشعار، به‌کارگیری نثر پرتصنع، ... این شباهت‌ها به وفور قابل مشاهده است و در نامه‌های مورد بررسی نیز این ویژگی‌ها دیده می‌شود. منشآت مورد توجه در این نوشتار، حاوی حدود سی و چهار نامه است که از لحاظ محتوا و ساختار مشابهت‌هایی با یکدیگر دارند و از سبک‌شناسی منشآت قاجاری پیروی می‌کند که در ادامه به برخی از این ویژگی‌ها اشاره می‌شود.

۱. محتوای تمامی نامه‌ها بحث دلدادگی و دلباختگی است. به کار بردن برخی الفاظ گاهی به طور ضمنی و گاهی صریح بیانگر آن است که نامه از سوی مردی دلباخته برای معشوقه اش نگارش یافته است: «... ناگاه پیک خجسته با یک طغرا پاکتی که در این سوخته آتش فراق به سنبل گیسوی خود در جوف پاکت بسته بودید، رسید... این زلف داغ کرده که دادی برای من / گویی تو داغ این دل پرمبتلای من...» (گ ۵۲ ر)؛ «خانم من قربانت گردم، ای قبله مشتاقان محراب دو ابرویت / مرغ دل من مایل چون قبله نما مویت...» (گ ۵۲ پ)؛ «گهی خلخال از پای درآورم به جای طوق در گردن گذارم» (گ ۶۷ پ)؛ «قربان خاک مقدم جان پرورت شوم، دستخط مهر طراز لازم الاعزاز که مندرج صدگونه غمزه و ناز بود زیارت نمودم...» (گ ۶۸ ر)؛

«اگر عمری باشد درک حضور خانم جانم را نمایم...» (گ ۶۸ ر)؛ «اگر چه عرض نیاز این واله دیوانه به آن لیلی زمانه نمی‌رسد...» (گ ۷۲ ر). اما از سویی دیگر، آن همه سوز و گداز و شکوه و شکایت از دوری یاری، یا به سفر رفتن معشوق و انتظار برگشت او، نگارش نامه از سوی یک خانم را به ذهن القا می‌کند، مانند: «خود را به آن یار وفادار برسان که در انتظار شما می‌باشم» (گ ۶۹ ر)؛ «تصدقت، مکتوب جان فزایت آمد به سوی من، بوسیدم و بر آن دل سوزان نهادمش و ز بیم آنکه سیل اشکم بشویدش از دیده برگرفتم و بر جان نهادمش...» (گ ۷۰ ر)؛ «بعد از این در کُنج غم، روز تا شب، بجز خط مشک فامت رازداری ندارم و شب و روز بجز خواندن این نامه کاری ندارم» (گ ۷۰ پ).

۲. آنچه می‌توان از محتوای این نامه‌ها پی برد هر دو طرف، فرستنده و گیرنده، دارای ذوق ادبی و اهل شعر و شاعری بوده‌اند و برای یکدیگر شعرسرایی کرده‌اند. در نامه‌ای نگارنده پس از به‌کارگیری الفاظی سنگین و متین ادبی، به ادیب و شاعر بودن مخاطب اشاره دارد: «قربانت گردم، اگر چه مدتیست مدید و عهدیست بعید که از سلامتی مزاج کثیر الالبتهاج آن یار جانی و سرمایه زندگانی [خبری] ندارم، ولی به یاد رقیمه‌جات عنبرین که عبارات شیرین و کلمات رنگینش تمام با مشک انگبین است، ملاحظه می‌نمودم که در زمان قبل رسیده بود و این شعرهایی را که خود با حالت فراق و نالانی گفته بودی بلکه بر وزن نغمات و با حالت خسته و دل شکسته عرض نموده بودی...» (گ ۵۵ ر).

۳. محتوای اکثر نامه‌ها عرض شکایت و گله‌مندی و بی‌خبری از طرف مقابل است. چه نامه‌های که از سوی نگارنده بوده و چه نامه‌هایی که در پاسخ به نامه گیرنده نوشته شده است: «خدا شاهد است در شب و روز از مفارقت آرام ندارم. در این شهر خراب نه رفیقی نه همدمی و نه همزبانی. غمی که دارم، غم دوری و دل‌تنگی...» (گ ۵۷ ر)؛ این شکوه و شکایت گاهی به نظم است: «عزیزا، شب و روز از فراق می‌کنم من ناله و زاری / خداوندا بکن رحمی نما ای ناله تأثیری* ز وصل یار دور افتاده‌ام





- ولی از هجر می‌نالم / که گردد مر خدای من ز بهرم این چه تقدیری» (گ ۵۵ پ)؛
«یا رب چرا اساس بقا استوار نیست / در کل زمانه امید و قرار نیست ...» (گ ۵۷ پ)؛
و گاهی به نثر است: «از بهر خدا این دل مهجور نگه دار منت فداه بهر حال
مرا بگذار به یادت که خرم بوستان است این خیالت در دل و دیده ...» (گ ۶۷ ر)؛
«تصدق وجود مبارکت کردم، هیچ می‌پرسی اسیری داشتم، حالش چه شد؟ دیگر
طاقم طاق و پیراهن صبرم چاک شده ... هنوز بی مرحمتی بس نشد» (گ ۷۶ پ).
۴. با آنکه بیش از نیمی از نامه‌ها در پاسخ است، اما همچنان در برخی از نامه‌ها ضمن
شکایت و شکوه از بی‌خبری یار، درخواست می‌کند برای او نامه بنویسد و از حال
خود آگاهی دهد: «... امیدوارم که کدورت و ملالت نداشته باشید و مزاج و هاج کثیر
الابتهاج در نهایت صحت و اعتدال باشد که گهگاهی این دیده را از شاهراه انتظار
برداری ... امیدوارم برخلاف گذشته این مهجور را گهگاهی به رقیمه جات و ارجاع
فرمایشات یاد و شاد فرمائید» (گ ۶۳ ر)؛ «آه نمی‌دانم که آن مغرور حسن و ناز و
منظور اهل نیاز، نامه مرا از کبر و غرور نخوانده و یا رسول بی‌نام و ننگ به حضور
مبارک نرسانیده» (گ ۷۱ پ).
۵. محتوای چند مورد از نامه‌ها حکایت از آن دارد که این دو دل‌باخته مدتی نزدیک بهم
بودند و اکنون دورافتاده‌اند: «بحق خودت قسم از زمانیکه از خدمت دور شدم قالبی
هستم بی‌روح، مجنونم، ماتم، پریشانم، مبهوتم، از زندگانی خودم دست شستم ...»
(گ ۷۵ پ).
۶. یکی از نامه‌ها به مناسبت تبریک عید نوروز نوشته شده و با بیتی از تسلیمی کاشانی
آغاز می‌شود: «گویند بهاری شد و گل آمد و دی رفت / ما بی تو ندیدیم که کی آمد
و کی رفت» (گ ۷۷ پ).
۷. در یکی از نامه‌ها، نگارنده در تلاش رفع سوء تفاهم و آگاهی دادن به معشوقه از
سمت رقیبان و دشمنان است: «قسم بطره مشکین آفتاب جمالت / که جان نکرده به
دل هیچکس بغیر خیالت. تصدقت کردم! کم لطفی بس است. خداوند شاهد است

همیشه به خیال تو مشغولم و به عشق تو مفتون ... عزیزالوجودا، تو که می‌دانی به جز تو دلداری ندارم، چرا دلداریم نمی‌کنی، خدا نکرده مگر گوش به حرف دشمنان کردی و دل را با من نگران نمودی...» (گ ۷۳ پ).

۸. در نامه‌ای در پاسخ به شکایتی که معشوق از شخصی نزد وی کرده است برآمده، و جهت دلداری او می‌نویسد: «قربانت گردم، رقیمة ... و پرتغال رنگینت رسید، امان از دست این دلبر جانت که به هر محله یاری و به هر خانه یک کس تغاری را دارد، امروز او را می‌خواستم [که] از دوستی خود خارج نمایم، بلکه از جمله خوارجش شمارم، باز محض محبت‌های قدیم و کرم عمیم عفوش نمودم. در عفو لذت‌یست که در انتقام نیست. والسلام» (گ ۷۴ ر).

اما این نامه‌ها از لحاظ سبک و ساختار شباهت‌های نیز دارند که برخی از آنها به شرح زیر است:

۱. در این نامه‌ها از لحاظ ادبی صنعت اغراق و مبالغه و تشابه بسیار به کار رفته است: «خدا شاهد است که از شوق جمال جهان افروزت خواب و آرام از این ناتوان قطع گشته و از شمع رخسار دل افروزت کنارم از اشک خونین رود جیحون گردیده»؛ «از بس که در آتش شوق می‌سوزم مشتی خاکستر شدم» (گ ۵۸ پ)؛ «یک طغرا رقیمه عنبرین که به قلم گوهریار قلمی و عژ ارسال فرموده بودید رسید. به زیارتش چون مردم بیت الله الحرام احرام بستم» (گ ۶۰ ر)؛ در بیان شوق دیدار و الهام شدن دیدن روی یار با به کار بردن آیه‌ای از قرآن صنعت استعاره را به کار می‌برد: «لَأَجِدُ رِيحَ يَوْسُفَ لَوْلَا أَنْ تُفَنِّدُون»^۱ (گ ۶۵ پ).

۲. افتتاحیه همه نامه‌ها با عباراتی چون: قربانت گردم؛ عزیزالوجودا؛ آرام جانم؛ قربان وجود مبارکت؛ عزیزا؛ دوستا مهربانا؛ تصدق سرتا پایت گردم، قربان حضور مهر ظهورت گردم ... می‌باشد. تنها یک نامه با نام خداوند آغاز می‌شود: «سر نامه بنام

۱. اگر مرا تخطئه نکنید بوی یوسف را می‌شنوم. (سوره یوسف، آیه ۹۴)





- آن خداوند / که دلها را به دلها کرده پیوند...» (گ ۵۳ پ). در نسخهٔ مجلس دو نامه دارای عنوان است: «محبّت نامه است»؛ «رقیمهٔ دوست نوازی است» (گ ۲۲ ر).
۳. اختتامیه نامه‌ها با دعا و آرزوی طول عمر و سعادت است: «به محمد و آلّه الاطهار و السلام خیر ختام» (گ ۵۸ ر)؛ و برخی با عبارت ادبی: «ایام سعادت فرجام بکام باد و السلام» (گ ۵۹ پ)؛ «باقی ایام سعادت بکام باد» (گ ۶۰ ر)؛ «قربان رفتارت، باقی بقایت، جانم فدایت» (گ ۶۱ ر)؛ و اکثراً با عبارت کوتاهی چون: «باقی جانم فدایت»؛ «و السلام»؛ «زیاده جسارت است»؛ به پایان می‌رسد.
۴. در این منشآت از اشعار به طرز جالبی استفاده شده است و نگارنده گاهی به زبان شعر به شرح حال خود پرداخته است. بخشی از نامه‌ها با شعر آغاز می‌شوند که گاهی اشعار حجم نیمی از نامه را در برمی‌گیرد و در واقع نگارنده شرح حال خود و فراق و دلتنگی اش را به نظم بیان می‌کند: «السلام ای آفتاب دلبری / السلام ای بهتر از حور و پری * السلام ای قبله جانان السلام / السلام ای نور چشمان السلام * السلام ای فدای تو جانم / جان تنها نه بلکه ایمانم * ...» (گ ۵۴ ر)؛ «قربانت گردم، چه گویمت که دلم از جداییت چون است / دلم جدا ز تو دل نیست، قطره خون است...» (گ ۵۷ پ)؛ «قسم بطرهٔ مشکین آفتاب جمالت / که جا نکرده به دل هیچکس بغیر خیالت» (گ ۷۳ پ)؛ «قربانت گردم، نامه جانان رسید قلب حزین شاد شد / دیده بخت فتاد دل ز غم آزاد شد» (گ ۷۵ ر)؛ در تعدادی از نامه‌ها ابیات عربی که در مفهوم و مضمون آنها داد از دلتنگی و دوری محبوب موج می‌زند، مشاهده می‌شود: «يقولون انّ الموت صعبٌ علی الفتی / واللّه مفارقة الاحباب اصعبٌ» (گ ۵۲ پ) که بدین معناست: گویند مرگ برای جوان سخت و مشکل است؛ ولی به خدا قسم مفارقت و دوری از دوستان مشکل‌تر است؛ «فَدَابَّ مِنَ الْفِرَاقِ لِحَمِي وَ دَمِي / وَ اشْتَدَّ مِنَ الشَّقِّ الْيَكْمُ الْأَمِي» (گ ۶۲ پ) به معنای: گوشت و خونم از فراق آب شده و از شوق شما دردم شدید است.

۵. احتمالاً بخشی از اشعار از خود نگارنده است، چرا که از شَمّ ادبی بالایی برخوردار بوده، اما به ابیات و اشعاری از دیگر شعرای فارسی نیز برمی‌خوریم و از آن میان آنها اشعار حافظ نمود بیشتری دارد و در چند جای مختلف استفاده شده‌اند، به عنوان نمونه: «آن سفر کرده که صد قافله دل هم‌ره اوست / هر کجا هست خدایا به سلامت دارش» (گ ۵۷ ر)؛ «رواق منظر چشم من آشیانه تست / کرم نما و فرود آ که خانه خانه تست» (گ ۶۸ پ)؛ رباعی از حافظ «می‌زنم هر نفس از دست فراقت فریاد / آه اگر ناله زارم نرساند به تو باد* چه کنم گر نکنم ناله و فریاد و فغان / در فراق تو چنانم که بداندیش مباد» (گ ۷۰ پ)؛ «من ملک بودم و فردوس برین جایم بود / کی بیاورد درین دیر خراب آبادم؟» (گ ۷۵ پ) و بعد از حافظ غزلیات فروغ بسطامی بیشتر به چشم می‌خورد تا حدی که متن دو نمونه از نامه‌ها کلاً غزلیات بسطامی است که نگارنده در قالب شعر به شرح گله‌مندی و شکایت از یار می‌پردازد (گ ۷۵ ر)، و این نشان از تسلط و تعلق او به ادبیات فارسی است. بعد از آن دو، از دیگر شاعران فارسی زبان نیز ابیاتی به کار گرفته است که به نمونه‌هایی از آنها در ادامه اشاره می‌کنیم.

از جامی: «سخن درست بگویم ز شاه مسند ناز / نیاز نامه درویش را جواب آورد» (گ ۷۰ ر)؛ «نه نامه‌ای که در آنجا نشان نام تو یابم / نه رقع‌ای که در آن خط مشکفام تو یابم* سلامت من دلخسته در سلام تو باشد / زهی سعادت اگر دولت سلام تو یابم» (گ ۷۲ ر)؛ از سعدی: «سلسله موی دوست حلقه دام بلاست / هر که در این حلقه نیست فارغ از این ماجراست» (گ ۷۲ پ)؛ «دانی که چون گذرانیم روزگار / روزی که بی تو می‌گذرد روز محشر است» (گ ۷۶ ر)؛

از اوحدی مراغی: «منم غریب دیار تو ای غریب نواز / دمی به حال غریب دیار خود پرداز» (پ ۶۹ ر)؛ «چه شد که مدتی از خدمتت خطاب نیامد / هزار نامه نوشتم یکی جواب نیامد» (گ ۷۱ پ)؛^۱

۱. بیت کامل اوحدی اینگونه است: «هزار نامه نوشتم، یکی جواب نیامد. به سوی ما خبر او به هیچ باب نیامد»



از انوری: «من دل به کسی جز به تو آسان ندهم / چیزی که گران خریدم ارزان ندهم»
(گ ۶۱ پ)؛

مصرعی از مولانا: «بوی گل را از که جویم، از گلاب» (گ ۶۶ پ)؛

از قصاب کاشانی: «مرا نیست دمی روح در بدن بی تو / حرام باد دگر زندگی به من بی
تو» (گ ۷۱ پ)؛

از ملاحسین مشتاقی: «هر لحظه ز من روایتی می شنوی / و رخصه من شکایتی می شنوی*
سوز دل من فسانه می پنداری / من مردم و تو حکایتی می شنوی» (گ ۶۹ پ)؛

از امیر راستی: «تا جان ز بدن برون نخواهد رفتن / درد تو ز تن برون نخواهد رفتن*
گفتی که برون کن از دلت مهر مرا / این از دل من برون نخواهد رفتن» (گ ۷۰ ر)؛

از طالب جاجرمی: «ای که بی روی تو ما را زندگانی مشکل است / تلخی داغ فراق
همچو زهر قاتل است* حاصل عمرم تو بودی از نگار لاله رخ / تا تو رفتی از بر من عمر من
بی حاصل است* تی نسیم صبحگاهی با من بیدل بگو / کین زمان آرام جانم در کدامین منزل
است؟» (گ ۷۳ ر)؛

در پایان

آنچه از مطالعه و بررسی این منشآت حاصل می شود کاتب، برخی نامه های عاشقانه که در
دربار وجود داشته، جمع آوری نموده و انتشار آن به طریق استنساخ در دو نسخه می تواند بیانگر
آموزش زنان درباری در نامه نگاری های عاشقانه، ارتقاء فرهنگ بین زنان دربار، یا گذران
بخشی از اوقات فراغت بانوان دربار باشد. تحلیل و توصیف این نوع نوشته ها و معرفی آنها
می تواند به پژوهش های گوناگونی چون: تسلط درباریان قاجاری بر فنون ادبی، احراز برخی
مشاغل دیوانی، ارتقاء فرهنگ بین دربار به ویژه زنان قاجاری، نقش زنان در نامه نگاری های
عصر قاجار، داد و ستد نامه های عاشقانه در دربار قاجاری، و ... کمک کند که پس از بازبینی
و بررسی حجم قابل توجهی از این نوع منشآت نظریه پردازی در هر یک از مباحث اشاره شده،
امکانپذیر است. امیدوارم این پژوهش بتواند به اندازه قطره ای از آب دریا مفید باشد و نقشی
در این حوزه ایفا کند.



سرانجام بر خود لازم می‌دانم از حسن توجه و راهنمایی‌های اساتید بزرگوارم آقایان حجت الاسلام علی صدرایی خویی و دکتر ابوالفضل مرادی (رستا) در راستای نگارش این مقاله قدردانی نمایم و آرزوی توفیقات روزافزون برای آنان دارم.

منابع

۱. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی (ایران - قم) / زیر نظر سید محمود مرعشی؛ تنظیم سید احمد حسینی اشکوری. قم: کتابخانه عمومی آیه الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۷۱.
۲. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی / به کوشش جواد بشری، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹.
۳. «ویژگی‌های زبانی، نگارشی و دستوری نامه‌های عهد قاجار؛ با محوریت بررسی قائم مقام و امیرکبیر»، حمیده مظهری آزاد، مریم شایگان، مطالعات ادبیات تطبیقی، سال چهاردهم، شماره ۵۴، تابستان ۱۳۹۹، ص ۱۷۲-۱۴۹.
۴. نثر فارسی از آغاز تا عهد نظام الملک طوسی / ذبیح الله صفا، تهران: کتابفروشی ابن سینا، ۱۳۴۷.

